

باشند و برینه نقره الخارج مال میوات مال غایب و مال در دربر
 ده بارها می بیند موجب کفایت بود در دست بود بعد از آن نقطه
 اب قبض الخارج که نقطه حکم است را بنویس در شش باب نقره الداخل
 رسید و نقره الداخل را با آنکس زدیم بیاض شد نقطه غیبه مستدل
 بود و مطلوب نقره الداخل که اب نقره است که خوف نباشد و مصداق
 دره نشود و مال غایب پوست نیاید و ترک از کارها نکند و کشتن
 و غرق شدن نبود و مرکب و هلاکت نبود و انجم و آسیا فایده بود
 و مطلوب ماضی نقره الداخل اب غیب الخارج است و برجا نبود کوم
 در زمان ماضی مال غایب و میوات برآمد بود مطلوب خاک حال
 را حکم شده که اب نقره است مطلوب مستقبل که نقره الداخل
 است در درم یافت که پنجم است در مرکز مصادق و ناظر
 کوم در زمان مستقبل بود از هزار روز و صورت غایب برآمد
 باید و مال غایب پوست اید و الله اعلم احکام خانه نهم آگوست
 کند که سفری میوم با علم می آموزم با جدای می کنم با کماه دارم با احوال
 آخرت می جویند با فکر در انی اندیشم با خواب دیده می یا عهد و بیعت
 می کنم یا سوگند میخورم و سایر چیزها که چنان نهم متعلقست نقره
 کوی که برین جمله احوال عمل احوال حضرت دانیال یافت برین موجب انقلا
 کوم در این نقره شد
 نقره الخارج را در اینم
 نقره

بنویس بر عهد و نثری و او نقطه هشتم است و نقطه نهم است که چنانچه با عهد
 که صاحب سکن است نهم که نقطه نهم میکند که صاحب نهم است و غایب سفر است
 دیگر اش فرج مطلق خود را که اش نقره است در هر حال مگر بود در سیوم و
 هفتم و نهم و یازدهم و در نهم بقوه است و در و تو خود دلیل سفر تواند بود
 بسایل کتم که از سفری بر می کند امری بسفر کسب علم می روم دیگر اش فرج
 از روم بسیر خن سیوم باشن نقره بیعت که اش سفر میانه است از آنکه
 اش هفت است و غایب هفتم سفر میانه است بس از آن باشن قبض الخارج
 بیست که اش سیوم است و اش سیوم اش نقل حرکت است و سفر نبرد
 یک و از نقطه مقام را می نواهد که اش غیب خارج است و شکل مقصد است
 و او در هر حال بود و بجای نقره بود در نهم بقوه بود بهماه دستم می
 سایل از سفر است و علم و غایتش از تکرار نقره در یازدهم کتم که سوال
 از خوبی که در سفر داری تواند بود نقره حکم که با نقره الخارج است
 را بنویس در هشتم بیاد اجماع رسید و اول غیب الخارج را مطلبید و
 در هر حال بود کتم سفر خواهی رفت یا باه مقام که دست و از علم فایده
 نیست و خواهی مرخصت و جوی انزیکه آنچه بخواهی کرد و کماه تو غلبت
 و احوال آخرت تو شنویش است و فکر رای و صاحب نیست و خواب تو
 تعبیر ندارد و فایده نمی دهد و خواب را فراموش کرده و نقره داخلی که چه
 دیده و عهد و بیعت فایده نمی دهد و خواب را فراموش کرده و بخوابی
 کرد و کوی سوگند خوری بر دروغ بود و هر چه از نسیب است انچه است

نقره
 نقره
 نقره